

بررسی موضع گیری های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام نسبت به خلافت در صحیح بخاری و صحیح مسلم

□ سید شفیع هاشمی *

چکیده

یکی از حوادث بسیار تلخ صدر اسلام پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله، اختلاف در مورد جانشینی آن حضرت، و در نهایت رسیدن خلافت به جانشینی واقعی، و تنهایی امام امیر المؤمنین علی علیه السلام است. حضرت زهرا علیها السلام با موضع گیری های سیاسی ویژه خود در برابر غاصبان خلافت ایستاد. فدک و خلافت را مطالبه، و از حق مالکیت خود بر این سرزمین و از حق امام علی علیه السلام و حریم ولایت دفاع کرد. واکاوی گزارش موضع گیری های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در صحیح بخاری و صحیح مسلم، اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا این موضع گیری ها پایه های خلافت خلفا را برای همیشه زیر سوال برد، و خط اسلام ناب را جدا ساخت، و پایه های نگاه اعتراض، مخالفت، مبارزه، و مقاومت را پایه گذاری، و بسیاری از حقایق دیگر را آشکار کرد. به دلیل اهمیت این موضع گیری ها و استخراج آن از صحیحین ضرورت این پژوهش را ایجاب کرد. بخاری و مسلم در این دو کتاب تنها برخی از موضع گیری های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام را از جمله «مطالبه فدک»، «غضبناک شدن آن حضرت از ابوبکر تا پایان عمر» و «وصیت نامه سیاسی خاص» نسبت به خلافت و خلیفه را به صورت اختصار گزارش کرده اند. روش تحقیق، در این نوشتار، «توصیفی - تحلیلی»، و گردآوری به شیوه کتابخانه ای است. **واژگان کلیدی:** حضرت زهرا علیها السلام، مطالبه فدک، خشمگین شدن، وصیت نامه سیاسی خاص.

* دانشجوی دکتری قرآن و گرایش های تفسیری المصطفی.

مقدمه

تاریخ اسلام پس از رسول خدا ﷺ، شاهد برخی حوادث تلخ و غم‌انگیزی است. یکی از این حوادث، اختلاف، روی موضوع جانشینی آن حضرت است. بر اساس روایات معتبر در منابع شیعه و اهل سنت، پس از رسول خدا ﷺ، خلیفه مسلمانان، امیر المؤمنین علی ﷺ است و خلافت حق آن حضرت بود؛ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ، مسیر خلافت راه دیگری پیش گرفت. سفارش‌های رسول خدا ﷺ درباره وصایت و جانشینی نادیده گرفته شد انصار و مهاجرین با هم اختلاف کردند در نهایت خلافت به خلیفه ی اول رسید و امام علی ﷺ تنها و بی‌یاور ماند و حضرت فاطمه زهرا ﷺ به دفاع از حق و مظلومیت امام علی ﷺ پرداخت و به تبیین و روشننگری آن حقیقت، اقدام و با شدت تمام با برمانه بیعت با خلافت جدید مخالفت کرد.

بیان مسئله

حضرت زهرا ﷺ به دلیل برخورداری از صفات فراوان پسندیده، مورد ستایش خداوند است. او سرور زنان اهل بهشت، خشم او، خشم رسول خدا ﷺ است و اذیت او، اذیت رسول خدا به شمار می‌رود. و غضب او، غضب الهی است. هیچ بانوی دیگری پیش از اسلام و پس از اسلام به درجه و مرتبه آن حضرت نرسیده، و نخواهد رسید. بررسی زندگی و موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا ﷺ پس از ارتحال رسول خدا ﷺ در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین از فرازهای اساسی، تأثیرگذار و ماندگار زندگی سیاسی آن حضرت است. آن حضرت در برابر دستگاه سیاست و خلافت ایستاد و از حریم ولایت پاسداری، و حقوق مسلم خود را مطالبه کرد. اکنون پرسش این است صحیح بخاری و صحیح مسلم تا چه حدی، موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا ﷺ را در دو کتابش گزارش کرده‌اند. این نوشتار به بررسی این پرسش در صحیحین تحت عنوان «موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا ﷺ در گزارش صحیح بخاری و صحیح مسلم» می‌پردازد.

ضرورت تحقیق

یادآوری سیره و روش حضرت زهرا ﷺ در گفتار، کردار، و بینش به ویژه سیره و روش سیاسی

آن حضرت باید استمرار داشته باشد؛ زیرا اولاً: سراسر زندگانی آن حضرت (علیها السلام) برای دیگران، اسوه است. ثانیاً: موضع‌گیری‌های سیاسی آن حضرت در برابر خلافت یک امر عادی نبود؛ بلکه موضع‌گیری‌های سیاسی آن حضرت، بسیاری از حقایق از جمله جابجایی حقایق از جایگاه اصلی را برای عصر خویش و عصرهای بعد روشن کرد. اگر موضع‌گیری‌های اعتراضی آن حضرت نبود بسیاری از امور و حقایق، پنهان می‌ماند. اساساً فلسفه ایام بزرگداشت سالیانه، روشنگری و یادآوری آن حوادث ناگوار صدر اسلام است و این حوادث را آیندگان می‌پرسند و در باره آن می‌اندیشند و داوری می‌کنند.

روش تحقیق

روش تحقیق، «تبیینی-تحلیلی» است. مقصود در گام اول، تبیین و توضیح گزارش موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام)، و در گام دوم، بررسی، تجزیه و تحلیل آن موضع‌گیری‌های سیاسی در صحیح بخاری و صحیح مسلم است.

هدف تحقیق

اولاً: یادآوری چگونگی بیان اعتراض و اظهار موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) نسبت به خلافت در منابع اهل سنت، و ثانیاً: روشن شدن دفاع از حقیقت و تبیین آن از سوی آن حضرت در بستر تفاوت‌های غبارآلود بر اساس منابع مهم و متعبر اهل سنت از مهم‌ترین اهداف این تحقیق است.

پیشینه تحقیق

این موضوع با این عنوان خاص، پیشینه‌ای ندارد؛ یعنی این موضوع با این عنوان خاص مورد تحقیق مستقلی قرار نگرفته‌اند. البته در باره شخصیت سیاسی، بینش سیاسی و رفتار سیاسی آن حضرت، پژوهش‌ها و نشست‌هایی به صورت عام و با تکیه بر منابع فریقین صورت گرفته است. از جمله «بررسی شخصیت سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) - فیض الله اکبری و نسرين الفتیان گیلانی»، «سیره سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) - حجت الاسلام کاشانی» و «مواضع سیاسی

حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت علی علیه السلام - محمود رضا توکلی محمدی / عزت الله مولایی نیا». در ضمن این پژوهش‌ها و نشست‌ها اشاره‌هایی به مطالب این دو کتاب پیرامون موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام دارد. این تحقیق با تکیه بر گزارش صحیحین درباره موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام از منابع دیگر اهل سنت نیز بهره گرفته، و به تبیین و تحلیل آن می‌پردازند.

موضوع این نوشتار «بررسی موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در گزارش صحیح بخاری و صحیح مسلم» است. حضرت فاطمه علیها السلام نه تنها سیاست خلافت را نپذیرفت و با او بیعت نکرد، بلکه در برابر خلافت او موضع گرفت و دیدگاه‌های سیاسی خود را در قالب «مطالبه فدک»، «مخالفت، خشمگین شدن و نارضایتی از ابوبکر تا پایان عمر»، «وصیت ویژه در مورد غسل دادن، دفن و کفن کردن»، «گریه، حزن و اندوه شدید» و «کمک خواستن از انصار» نشان داد. بخاری و مسلم تنها برخی از اختلافات سیاسی حضرت زهرا علیها السلام را در صحیحین گزارش کرده‌اند.

اول: اعتراض در قالب مطالبه فدک

یکی از بارزترین و شدیدترین موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام در برابر خلافت و ابوبکر، مطالبه فدک است. این موضع‌گیری به دنبال مصادره «فدک» انجام گرفت و در ظاهر یک حرکت اقتصادی و مطالبه حقوقی مالی بود؛ اما در واقع، صددرصد سیاسی، و در دفاع از امامت امیرالمؤمنین علیه السلام، به عنوان نمادی از «دوری حق اهل بیت علیهم السلام از جایگاه خود» شمرده می‌شد. به عبارت دیگر مقصود حضرت فاطمه علیها السلام فدک نبود؛ بلکه خلافت اسلامی بود. فدک تعبیر دوم و بیان رمز گونه در مورد خلافت اسلامی، و یکی از شیوه‌های مبارزه حضرت علیها السلام بود. بخاری و مسلم این موضع‌گیری حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب صحیح‌شان گزارش می‌کنند: «عایشه می‌گوید: همانا فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصی را نزد خلیفه اول فرستاد و میراث خود را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از او طلب کرد. این مطالبه شامل «فیء»، «فدک» و «باقی مانده خمس خیبر» بود» (بخاری، (۱۴۲۲هـ): ۱۳۹/۵؛ مسلم، [بی تا]: ۱۳۸۰/۳).

عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ فَاطِمَةَ، عَلَيْهَا السَّلَامُ، أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تَطْلُبُ صَدَقَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّتِي بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكِ، وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسٍ خَيْرٍ.

وقتی ابوبکر به خلافت رسید، فدک را از حضرت زهرا (ع) مصادره، و نماینده آن حضرت را از فدک بیرون کرد. فدک ملک رسول خدا (ع) بود که رسول الله (ع) زمان حیاتش آن را به حضرت زهرا (ع) بخشیده بود؛ به همین دلیل آن را از از خلیفه اول مطالبه کرد. ا خلیفه اول به یک روایتی تمسک جست و گفت: پیامبر (ع) فرمود: ما (انبیا) چیزی به ارث نمی‌گذاریم آنچه ما باقی می‌گذاریم صدقه است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا نُورِثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً» (بخاری، (۱۴۲۲هـ): ۱۳۹/۵؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۹۰۲/۴). خطابه‌ها، استدلال‌ها و احتجاج‌های حضرت زهرا (ع) فراتر از فدک و یک مسئله مالی بوده و عمده بحث، خلافت و جانشینی رسول خدا (ع) است. آن حضرت در این خطابه‌ها به قابلیت‌ها و شایستگی‌های علی (ع) و مسئله غدیر خم استناد می‌کند این امر نشان می‌دهد مسئله فدک، فیء و خمس غنایم خیبر در برابر خلافت امیر مؤمنان علی (ع) بی‌اهمیت و جزئی است. بخاری و مسلم بیش از این گزارش نکرده‌اند و به استدلال‌ها و احتجاج‌های حضرت زهرا (ع) در برابر سخن ا خلیفه اول اشاره‌ای نکرده‌اند. ماجرای مصادره فدک و مطالبه حضرت زهرا (ع) در منابع دیگری اهل سنت مانند «بلاغات النساء» و «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید» و منابع شیعه مفصل و مشروح نقل کرده است.

اهمیت موضع‌گیری سیاسی اول حضرت زهرا (ع)

خطبه فاطمه زهرا (ع) در مسجد مدینه به انگیزه پس گرفتن «فدک» نشان دهنده یک تبیین صحیح، و به موقع، ماندگار و نماد کمال علمی، فکری و فضل فاطمه زهرا (ع) و نشانه‌ای شناخت برتر، عمیق‌تر و چند لایه معارف دینی به وسیله یک زن مسلمان بوده است و این بینش یقیناً بدون تعلیم و تربیت صحیح ممکن نبوده است. مطالبه فدک مهم‌ترین، بهترین و مؤثرترین دفاع حضرت فاطمه (ع) از ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است؛ به همین دلیل این موضع‌گیری

مهم سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام به توضیح و تبیین بیشتری نیاز دارد و یادآوری چند مطلب برای تبیین اهمیت این موضع گیری مهم سیاسی حضرت زهرا علیها السلام لازم است.

الف) مفهوم شناسی فدک (سرزمین فدک)

فدک قریه ای در حجاز، و بین آن و مدینه دو یا سه روز فاصله است. سال هفتم هجرت وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قلعه های آن را فتح کرد. اهالی فدک سرزمین فدک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصالحه کردند و فدک بدون جنگ و درگیری تسلیم شد و به عنوان «فیء»، ملک خالص، شخصی و ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گردید. فدک سرزمین آباد، و چشمه ها و نخل های فراوانی داشت. (حموی، (۱۹۹۵م): ۲۳۸/۴؛ ابن منظور، (۱۴۱۴هـ): ۳۷۴/۱۰؛ (نور الدین أبوالحسن السمهودی، (۱۴۱۹هـ): ۱۲۶/۴؛ ابن الاثیر، (۱۴۱۷هـ-۱۹۹۷م): ۱۰/۲). بر اساس آیه قرآن، سرزمین های فتح شده با مصالحه و بدون درگیری، ملک شخصی و ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می رود. بر طبق آیه «فیء»، غنائم «فتوحات مصالحه ای» از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نزدیکان، یتیمان و در راه ماندگان است. فدک جزو این اموال، و ملک شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می رود و آن حضرت به هر کسی می تواند، ببخشد. بر اساس گزارش حدیث پژوهان، مفسران و مورخان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فدک را پس از نزول آیه شریفه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» به حضرت فاطمه علیها السلام بخشید (الهیثمی، (۱۴۱۴هـ-۱۹۹۴م): ۴۹/۷): «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ {وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ} [الإسراء: ۲۶] دَعَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَاطِمَةَ، فَأَعْطَاهَا فَدَكَ». (السیوطی، [بی تا: ۲۷۳/۵): «وَأَخْرَجَ الْبَرَّارُ وَأَبُو يَعْلَى وَابْنُ أَبِي حَاتِمٍ وَابْنُ مَرْذُويه عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ {وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ} دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ فَأَعْطَاهَا فَدَكَ».

محمد باقر صدر توصیف کامل تر و جامع تری از فدک ارائه می دهد: فدک سرزمین باارزش و قریه ای در حجاز بود؛ بین فدک و مدینه دو روز یا سه روز فاصله بود و آن سرزمین یهود بود و طایفه ای از یهود در آن زندگی می کرد و در سال هفتم هجرت یهودیان آن منطقه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصالحه کردند و ملکیت آن به حضرت واگذار گردید و سپس فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

به فاطمه(ع) بخشید و پس از رحلت رسول خدا(ص) ابوبکر آن را از فاطمه(ع) گرفت. ثروت فراوانی از آن به دست می‌آمده است. فدک یک امتیازی نیز برای حضرت زهرا(ع) و اهل بیت(ع) به شمار می‌رفت؛ زیرا رسول خدا(ص) بر اساس آیه «(۲۶) سوره مبارکه «الاسراء» «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»، فدک را به آن حضرت بخشید. از سرگذشت فدک و دست به شدن آن به وسیله حاکمان وقت، به بعد سیاسی آن می‌توان پی برد. (ر.ک: محمد باقر صدر، (۱۹۹۰م): ۲۶).

ب) تبیین اجمالی محتوای خطبه فدکیه

بخاری و مسلم تنها اعتراض و موضع‌گیری سیاسی حضرت زهرا(ع) را نسبت به مصادره فدک و بقیه اموال به وسیله خلیفه اول و استناد آن بر اساس یک روایتی از رسول خدا(ص) گزارش کرده‌اند و به خطبه فدکیه و استدلال‌های حضرت زهرا(ع) اشاره‌ای نکرده‌اند. ابن طیفور با چند سند مختلف، ابن ابی الحدید، و طبرسی، خطبه فدکیه و احتجاج‌های آن حضرت را در برابر خلیفه اول نقل کرده‌اند. فدک ملک حضرت زهرا(ع) بود. خلیفه اول وقتی به خلافت رسید، حضرت فاطمه(ع)، دختر رسول خدا(ص) را از فدک، منع، و نماینده آن حضرت را از سرزمین فدک بیرون کرد. وقتی به حضرت فاطمه(ع) این خبر رسید آن حضرت با حجاب کامل با عده‌ای از فرزندان خود و بنی هاشم به مسجد رفت و در آن مجلس خلیفه اول و گروهی از مهاجرین و انصار حضور داشتند. حضرت زهرا(ع) پس از حمد و ستایش خداوند و سپاس از مواهب و عطایای بی‌شمار خداوند، گواهی بر یگانگی خداوند و توصیف توحید، گواهی بر رسالت حضرت محمد(ص) و بیان ویژگی‌های آن حضرت فرمود: شما چنان می‌پندارید ما از رسول خدا(ص) ارث نمی‌بریم؟ آیا با چنین گمانی حکم جاهلیت را دنبال می‌کنید؟ و برای اهل یقین چه حکمی بهتر از حکم خداست؟ ای مهاجران [به نقل ابن ابی الحدید و طبرسی: ای پسر ابی قحافه!] آیا باید من در باره ارث پدرم مغلوب شوم و زور بشنوم؟ آیا در کتاب خدا چنین حکمی است تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ همانا چیزی عجیب و حیرت‌انگیزی آورده‌ای؟ اکنون [ای ابوبکر] اینک تو، این شتر مهار زده و جهاز بر پشت (سرزمین فدک) را بگیر و ببر و در روز محشر تو را دیدار خواهد کرد و در آن روز خداوند چه

نیکو حاکمی، و محمد ﷺ چه نیکو زعیمی، و قیامت چه نیکو وعده‌گاهی است و در آن روز اهل باطل زیانکاراند و پشیمانی، شما را سودی نخواهد بخشید. بر هر چیزی جای و قرارگاهی است و به زودی خواهید دانست. (ابن ابی طاهر ابن طیفور (۱۳۲۶هـ - ۱۹۰۸م): ۱۸):

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ وَمِنْ أَحْسَنِ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَبِهَا مَعْشَرُ الْمُهَاجِرِينَ أَأَبْتَرُ إِرْثَ أَبِي أَفَى الْكِتَابِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِي لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا فَدُونُكُهَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ فَنَعَمَ الْحُكْمَ اللَّهُ وَالزَّعِيمَ مُحَمَّدٌ وَالْمَوْعِدَ الْقِيَامَةَ وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَلِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ؛ طبرسی، (۱۴۰۳: ۱/۲۳۴): «یا بنِ إِذْ يَقُولُ «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» وَقَالَ فِيمَا افْتَضَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» وَقَالَ «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» وَقَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَى».

سپس آن حضرت در رد روایت و استدلال خلیفه اول به آیات قرآن استدلال و احتجاج می‌کند و می‌گوید: آیا شما نسبت به محمد ﷺ که آنچه کتاب خدا گفته است آن را رها کرده‌اید؟ و آن را پشت سر خود انداخته‌اید؟ در حالی که خداوند تبارک و تعالی فرمود است: «سلیمان از داود ارث برد» و در داستان یحیی بن زکریا [از قول زکریا] می‌فرماید: «پروردگارا از سوی خود مرا فرزندی عنایت کن تا از من و آل یعقوب ارث برد» و باز می‌فرماید: «بعضی از خویشاوندان بر بعض دیگر مقدم‌اند» و در کتاب خدا چنین آمده است: «خداوند به شما درباره ارث فرزندان سفارش می‌کند سهم پسر دو برابر سهم دختر باشد» و باز فرموده است: «اگر کسی از شما مرگش فرارسد و مالی از خود باقی گذارد برای والدین و خویشاوندان به نیکویی وصیت کند و این کار شایسته پرهیزکاران است». با وجود این آیات، شما گمان کردید حق و بهره‌ای برای من نیست و از پدرم ارث نمی‌برم؟ و ذوی القربا ارث نمی‌برد؟ آیا خداوند آیه‌ای را به شما تخصیص داده، و رسول خدا ﷺ (پدر من) را از مفاد آن خارج ساخته است و یا می‌گویید اهل دو مذهب از یکدیگر ارث نمی‌برند، آیا من و پدرم از اهل یک مذهب نیستیم؟! و یا شما به خاص و عام از پدر من داناترید؟! آیا با چنین گمانی حکم جاهلیت را دنبال

می‌کنید؟ و برای اهل یقین چه حکمی بهتر از حکم خداست؟ آیا من باید در بارهٔ ارث پدرم مغلوب و زور بشنوم و ظلمی بر من شود؟ و آنان که ظالم و ستم کردند به زودی خواهند دانست به کجا خواهند افتاد و چه منزل گاهی خواهند داشت. (ابن ابی طاهر ابن طیفور (۱۳۲۶هـ- ۱۹۰۸م): ۲۰-۲۱):

ثم قالت أيها الناس أنا فاطمة وأبي محمد صلى الله عليه أقولها عوداً على بدء لقد جاءكم رسول من أنفسكم ... أفعلى محمد تركتم كتاب الله ونبذتموه وراء ظهوركم إذ يقول الله تبارك وتعالى وورث سليمان داود وقال الله عز وجل فيما قص من خبر يحيى زكريا رب هب لي من لدنك ولياً يرثني ويرث من آل يعقوب وقال عز ذكره وألوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله وقال يوصيكم الله في أولادكم للذكر مثل حظ الأنثيين وقال إن ترك خيراً الوصية للوالدين والأقربين بالمعروف حقاً على المتقين وزعمتم أن لا حق ولا وارث لي من أبي ولا رحم بيننا أفخصكم الله بآية أخرج نبيه صلى الله عليه منها أم تقولون أهل ملتين لا يتوارثون أولست أنا وأبي من أهل ملة واحدة لعلمكم أعلم بخصوص القرآن وعمومه من النبي صلى الله عليه وسلم لي الله عليه أفحكم الجاهلية تبغون ومن أحسن من الله حكماً لقوم يوقنون أغلب على إرثي جوراً وظلماً وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون». ابن ابی الحديد (۱۳۷۸ش): ۲۱۴/۱۶ و طبرسی (۱۴۰۳هـ): ۲۳۴/۱ خطبة فديكه حضرت زهرا (ع) را با اندکی اختلافی در واژگان و عبارات نقل کرده‌اند.

ج) سیاسی بودن داستان فدک

اختلاف حضرت زهرا (ع) و خلیفه اول در مورد «فدک» مطالبه حق شخصی حضرت زهرا است؛ اما در واقع، غضب فدک یک مسئله سیاسی و هدف اصلی بهانه قرار دادن فدک، ادامه غضب خلافت و مطالبه خلافت و دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) بود. دلایل ذیل گواه و شهادی بر این ادعاست.

۱. پس از ارتحال رسول خدا (ص) فضای سیاسی - اجتماعی جامعه نوپای اسلامی با بحران جدی رو به رو شد؛ خطر مثلی و سه گانه، آیین اسلام را تهدید می‌کرد؛ یک ضلع این خطر،

امپراطوری روم، و خطر دیگر، امپراطوری ایران و خطر سوم منافقان، احزاب و اقلیت‌های داخلی بود. (جعفر سبحانی، (۱۳۳۷ش): ۱۵۳). حضرت زهرا علیها السلام با وجود دشمنان داخلی و خارجی برای بازپس‌گیری یک قطعه زمین، هرگز حاضر نبود دو دستگی در میان مسلمانان ایجاد کند. با توجه به شخصیت ممتاز و معصوم بودن آن حضرت، هیچ وقت منافع شخصی و خانواده‌اش را بر منافع دینی و اجتماعی ترجیح نمی‌داد؛ اما اعتراض آن حضرت نسبت به خلافت معنایی دیگر را در خود نهفته داشت. هر چند خلیفه اهداف زیادی از جمله اهداف اقتصادی، و شکستن قداست معنوی اهل بیت علیهم السلام را مد نظر خود قرار داده بود. (محسن کازرونی (۱۳۷۰ش): ۲۶). هدف اصلی حضرت زهرا علیها السلام از بهانه قرار دادن «فدک» ضربه زدن به موقعیت سیاست حاکم و دفاع از ولایت عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام بود. (محمد باقر انصاری (۱۳۷۵ش): ۸۳). آن حضرت این خطر را احساس می‌کرد؛ اما متوجه خطری بزرگ‌تر از خطر روم، ایران و دشمنان داخلی برای جامعه مسلمانان شده بودند و آن جدایی از مسیر اسلام ناب بود و تعویض رفتار از مسیر ولایت و امامت خطر بزرگ‌تر از دشمنان داخلی و خارجی بود.

۲. بهترین دلیل بر سیاسی بودن داستان فدک، تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر زنده نگه داشتن قضیه فدک است. ائمه معصومین علیهم السلام در شدیدترین شرایط دشوار از همه هستی خود گذشتند از فدک نگذشتند و در زمان‌ها، مکان‌ها و به مناسبت‌های مختلف، فدک را یادآوری کردند. گاهی از آن به «میراث مصادره شده»، و گاهی تصاحب ارث» تعبیر کرده‌اند. علی علیه السلام در خطبه «شفشقیه» فرمود: میراث خود را غارت شده و به تاراج رفته می‌دیدم (یعنی منصب خلافت را گرفتند). (السید الرضی، [بی‌تا]: ۴۸):

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ
مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ فَسَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا وَطَوَيْتُ
عَنْهَا كَشْحًا وَطَفِقتُ أَرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بِيَدٍ جَذَاءً أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءَ
يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَيَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ فَرَأَيْتُ
أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَآئَا أَحْبَبَ فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى
تُرَاثِي نَهْبًا؛ آگاه باشید! سوگند به خداوند پسر ابی قحافه، جامعه خلافت را بر تن کرد.
در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به خلافت چون محور آسیاب به آسیاب

است که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست سیل دانش‌ها از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد. پس من ردای خلافت را رها کردم و دامن جمع نمودم و از آن کناره‌گیری کردم و در این اندیشه بودم آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پاخیزم یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی صبر کنم که پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا قیامت و دیدار پروردگار اندوهگن نگه می‌دارد. پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم میراث مرا به غارت می‌برند.

امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه از کسی اسم نمی‌برد و به عنوان «تصاحب کننده ارث» یاد می‌کند و می‌فرماید: «ای آل محمد (علیهم السلام) من نزد حق تعالی از دشمنان شما، از جبت و طاغوت، از شیاطین، از انکار کنندگان حق شما، از بیرون رونده‌ای از ولایت شما، از غصب کننده ارث شما بیزاری می‌جویم. (اول غصب خلافت و دوم غصب فدک بود این دو حق آل محمد بود و بردند و آنها را محروم کردند)» (ابن بابویه (۱۴۱۳هـ): ۶۱۴/۲): «وَبَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْحِبِّ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الْبَاجِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِارْثِكُمْ». روزی هارون الرشید از امام کاظم (علیه السلام) خواست حدود فدک را معین کند تا آن را برگرداند. امام کاظم (علیه السلام) حد اول آن را «عدن»، حد دوم را «سمرقند»، حد سوم را «آفریقا» و حد چهارم را «دریای ارمنستان» تعیین فرمود. هارون از شنیدن آن حیرت زده شد و گفت پس برای ما چیزی باقی نمی‌ماند، پس جای من بنشین! (جار الله الزمخشری، (۱۴۱۲هـ): ۲۵۹/۱ - ۲۶۰؛ ابن جوزی، (۱۴۲۶هـ): ۴۶۶/۲):

كان الرشيد يقول لموسى الكاظم بن جعفر: يا أبا الحسن خذ فدك حتى أردّها عليك، فيأبى، حتى ألح عليه فقال: لا آخذها إلا بحدودها، قال: وما حدودها؟ قال: يا أمير المؤمنين إن حدودها لم تردها، قال: بحق جدك ألا فعلت، قال: أما الحد الأول فعدن، فتغير وجه الرشيد وقال: هيه، قال: والحد الثاني سمرقند، فأربد وجهه، قال: والحد الثالث أفريقية، فأسود وجهه وقال: هيه، قال: والرابع سيف البحر مما يلي الخزر وأرمينية، قال الرشيد: فلم يبق لنا شيء فتحول في مجلسي؛ قال موسى: قد أعلمتك

أني إن حددتها لم تردها. فعند ذلك عزم على قتله، واستكفى أمره يحيى بن خالد
 «۱». فأراه بثرة خرجت في كفه وقال: هذه علامة أهل بيتنا قد ظهرت بي، وأنا أقضي
 عن قرب، فقد كفيت أُمري. فتركه يحيى ومات بعد أيام.

امیر المؤمنین علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام تلاش داشتند ماجرای
 فدک در تاریخ ثبت شوند تا آیندگان درباره آن داوری و قضاوت کنند؛ به همین دلیل، فدک
 همواره به همراه خلافت اسلامی در طول تاریخ اسلام از سوی امامان معصوم علیهم السلام مورد مطالبه
 بوده است.

۳. موضع گیری های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در برابر کارگزاران سیاست فراتر از مسائل
 مالی و اقتصادی، و هدف اصلی، سیاسی و دفاع از امامت و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام بوده است.
 گرچه گزارش صحیحین و برخی از پژوهشگران اهل سنت تلاش دارند آن را در جهت مسائل
 اقتصادی و یک دعوای مالی تفسیر کنند. اگر قیام و اعتراض حضرت زهرا علیها السلام تنها بر سر مسائل
 مالی و غصب فدک بود باید همه احتجاج ها و استدلال های آن حضرت فراتر از فدک و ارث
 نباشد؛ اما خطابه ها و استدلال ها فراتر از فدک بوده، اساس و اصل بحث، خلافت و جانشینی
 رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ به همین دلیل حضرت زهرا علیها السلام در این خطابه ها به شایستگی های
 امیر المؤمنین علیه السلام و مسئله غدیر خم استناد می کند. بنابراین بی اهمیت بودن مسائل دیگر را در
 برابر آن نشان می دهد.

۴. اگر ماجرای فدک سیاسی نبود اهل بیت علیهم السلام آن را می بخشیدند. بخشش های اهل بیت علیهم السلام
 در مسائل مالی در تاریخ معروف و مشهور است. از جمله، امام حسن مجتبی علیه السلام بر اساس
 سندی دو بار آنچه داشت از اثاث زندگیش با خدای خود به دو بخش مساوی تقسیم کرده است
 . نیز به سند دیگر آمده است آن حضرت سه بار دارایی خود را دو نیم کرد نیمی را برای خود
 نگه داشت نیمی را در راه خدای تعالی بخشید؛ به گونه ای که یک جفت کفش را به مستمندان
 می داد یک جفت را برای خود نگه می داشت. (شمس الدین الذهبی، (۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م): ۲۶۰/۳
 : «وَلَقَدْ قَاسَمَ اللَّهُ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، حَتَّى إِنَّهُ يُعْطِي الْخُفَّ وَيُمْسِكُ النَّعْلَ». جلال الدین
 السيوطی، (۱۴۲۵هـ-۲۰۰۴م): ۱/۱۲۶): «أَخْرَجَ الْحَسَنُ مِنْ مَالِهِ لِلَّهِ مَرَّتَيْنِ، وَقَاسَمَ اللَّهُ

ماله ثلاث مرات، حتی إنه يعطى نعلًا ويمسك نعلًا، ويعطى خفًا ويمسك خفًا». خطیب بغدادی از مورخان بزرگ اهل سنت در باره بخشش و سخاوت امام کاظم (علیه السلام) می‌نویسد: او سخاوتمند و بزرگوار بود و کسی که به او بدی می‌کرد، کیسه هزار دیناری برای او می‌فرستاد و کیسه‌های پول را به «۳۰۰» دینار، «۴۰۰» دینار و «۲۰۰» دینار بسته بندی می‌نمود و میان نیازمندان مدینه تقسیم می‌کرد؛ کیسه‌های پول آن حضرت بین مردم ضرب المثل بود و اگر کیسه‌ای از موسی بن جعفر (علیه السلام) به فردی می‌رسید، بی‌نیاز می‌شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م): «وكان سخيا كريما، وكان يبلغه، عن الرجل أنه يؤذيه، فيبعث إليه بصرة فيها ألف دينار، وكان يصبر الصبر ثلاث مائة دينار، وأربع مائة دينار، ومائتي دينار، ثم يقسمها بالمدينة، وكان مثل صرر موسى بن جعفر، إذا جاءت الإنسان البصرة فقد استغنى». أبو الفرج اصفهانی می‌نویسد: هرگاه از فردی به موسی بن جعفر (علیه السلام) بدی می‌رسید، آن حضرت کیسه دیناری برای او می‌فرستاد. آن کیسه‌ها بین سیصد تا دویست دینار بود. این کیسه‌ها ضرب المثل شده بود. (أبو الفرج الاصفهانی، [بی تا]: ۴۱۳/۱): «ان موسى بن جعفر إذا بلغه عن الرجل ما يكره بعث إليه بصرة دنانير، وكانت صراره ما بين الثلاثمائة إلى المائتين دينار، فكانت صرار موسى مثلاً». یکی از فرزندان عمر بن خطاب در مدینه ساکن بود، هر وقت امام کاظم (علیه السلام) را می‌دید، به آن حضرت اهانت می‌کرد به امام علی (علیه السلام) ناسزا می‌گفت. آن حضرت روزی در مزرعه کشاورزی او رفتند به او فرمودند: چقدر در این زمین خرج کرده‌ای؟ گفت صد دینار. حضرت فرمودند چه مقدار انتظار سود داری؟ گفت: علم غیب ندارم. فرمود: انتظار داری چقدر سود ببری؟ گفت: آرزو دارم دویست دینار سود ببرم. امام کاظم (علیه السلام) همیانی بیرون آورد و در آن «سیصد دینار» بود به او داد و فرمود: این کشاورزی تو بر جای خود، خداوند آنچه را امیدآوری به تو عنایت کند و از زمین بهره‌مند شوی. او برخاست و سر حضرت را بوسید و درخواست کرد از اشتباه وی درگذرد. امام کاظم (علیه السلام) تبسمی کردند و برگشتند و به مسجد وارد شدند. آن فرد نیز به مسجد آمده بود. وقتی چشم او به امام کاظم (علیه السلام) افتاد، گفت خدا بهتر می‌داند مسؤولیت جامعه را به دوش چه کسی بگذارد. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م): ۱۴/۱۵؛ (أبو الفرج الاصفهانی، ۱۳۸۵هـ - ۱۹۶۵م): ۳۳۲/۱.

قَالَ جَدِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ: وَذَكَرَ لِي غَيْرَ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، أَنَّ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ كَانَ بِالْمَدِينَةِ يُؤْذِيهِ وَيَشْتُمُ عَلَيْهِ، قَالَ: وَكَانَ قَدْ قَالَ: لَهُ بَعْضُ حَاشِيَتِهِ: دَعْنَا نَقْتُلَهُ، فَهَنَاهُمْ عَنْ ذَلِكَ أَشَدَّ النَّهْيِ، وَزَجَرَهُمْ أَشَدَّ الزَّجَرِ، وَسَأَلَ عَنِ الْعُمَرِيِّ، فَذَكَرَ لَهُ أَنَّهُ يَزْدَرِعُ بِنَاحِيَةٍ مِنْ نَوَاحِي الْمَدِينَةِ، فَرَكِبَ إِلَيْهِ فِي مَزْرَعَتِهِ فَوَجَدَهُ فِيهَا، فَدَخَلَ الْمَزْرَعَةَ بِحِمَارِهِ، فَصَاحَ بِهِ الْعُمَرِيُّ: لَا تَطَأْ زَرْعَنَا، فَتَوَطَّأَ بِالْحِمَارِ حَتَّى وَصَلَ إِلَيْهِ، فَزَلَّ فَجَلَسَ عِنْدَهُ وَضَاحِكُهُ، وَقَالَ لَهُ: كَمْ غَرَمْتَ فِي زَرْعِكَ هَذَا؟ قَالَ: لَهُ: مِائَةُ دِينَارٍ، قَالَ: فَكَمْ تَرْجُو أَنْ تَصِيبَ؟ قَالَ: أَنَا لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ، قَالَ: إِنَّمَا قُلْتُ: لَكَ: كَمْ تَرْجُو أَنْ يَجِيئَكَ فِيهِ؟ قَالَ: أَرْجُو أَنْ يَجِيئَنِي مِائَتَا دِينَارٍ، قَالَ: فَأَعْطَاهُ ثَلَاثَ مِائَةِ دِينَارٍ، وَقَالَ: هَذَا زَرْعُكَ عَلَى حَالِهِ، قَالَ: فَقَامَ الْعُمَرِيُّ فَقَبَلَ رَأْسَهُ وَانْصَرَفَ، قَالَ: فَرَأَى إِلَى الْمَسْجِدِ فَوَجَدَ الْعُمَرِيَّ جَالِسًا، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ، قَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ، قَالَ: فَوَثَبَ أَصْحَابُهُ، فَقَالُوا لَهُ: مَا قَصَصْتَ؟ قَدْ كُنْتَ تَقُولُ خِلَافَ هَذَا، قَالَ: فَخَاصَمَهُمْ وَشَاتَمَهُمْ، قَالَ: وَجَعَلَ يَدْعُو لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى كُلَّمَا دَخَلَ وَخَرَجَ، قَالَ: فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى لِحَامَتِهِ الَّذِينَ أَرَادُوا قَتْلَ الْعُمَرِيِّ: أَيْمًا كَانَ خَيْرٌ، مَا أَرَدْتُمْ، أَوْ مَا أَرَدْتَ أَنْ أَصْلَحَ أَمْرُهُ بِهَذَا الْمَقْدَارِ؟.

با وجود این بخشش‌ها یک باغ و یک قطعه زمین ارزش دارد شیعیان با اهل سنت هزار سال دعوا کنند؟ معلوم است مسئله، مسئله مالی و اقتصادی نیست؛ سیاسی است و اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌خواستند این مسئله از میان برود.

(د) بررسی حدیث «لَا نُورْثُ، مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً»

حضرت زهرا علیها‌السلام وقتی فدک را مطالبه کرد، ابوبکر در پاسخ فاطمه علیها‌السلام گفت شما از میراث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارث نمی‌برید به یک روایتی از قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشاره می‌کند و می‌گوید من خودم این را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیده‌ام. اولاً این روایت با صریح این آیات قرآن مخالف است: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (النمل / ۱۶) و «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...» (الأنفال / ۷۵) و «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنْثَى» (النساء / ۱۱). سلیمان از داود ارث می‌برد؛ آیا حضرت زهرا علیها‌السلام از پدرش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارث نمی‌برد؟! ثانیاً حضرت زهرا علیها‌السلام این روایت را نپذیرفت. چرا سرور زنان جهان این روایت را قبول نکرد؟ سه فرض مطرح

می‌شود؟ فرض اول: حضرت زهرا(ع)، این روایت صحیح را از رسول خدا(ص) شنید و از خلیفه اول نپذیرفت. این فرض با مقام و جایگاه آن حضرت سازگاری ندارد؛ زیرا ایشان «پاره وجود رسول خدا(ص)»، «سرور زنان جهان» و «سرور زنان اهل بهشت» است و امکان ندارد سخن رسول خدا(ص) را قبول نکند؛ فرض دوم: روایت صحیح است و فاطمه(ع) از رسول خدا(ص) ارث نمی‌برد و رسول خدا(ص) در زمان حیاتش این سخن را به حضرت زهرا(ع) نگفته است؛ پس چرا رسول خدا(ص) این را به حضرت فاطمه(ع) نگفته بود تا این اختلاف پیش نیاید. در این فرض یک ایراد بزرگ به نبوت رسول خدا(ص) به وجود می‌آید. آیا این مسامحه را می‌توان به رسول خدا (ص) نسبت داد؟! این فرض نیز امکان ندارد؛ زیرا رسول خدا(ص) همه احکام و از جمله احکام مبتلابه را بیان کرده است. فرض سوم: رسول خدا(ص) این حدیث را نگفته است، و حضرت زهرا(ع) وثاقت خلیفه را نپذیرفت و روایت را رد کرد به همین دلیل از خلیفه قهر کرد؛ زیرا آن حضرت با آیات قرآن کریم دروغ بودن آن را ثابت کردند: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» و «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثَنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ».

در نتیجه مطالبه فدک، مطالبه یک مسئله اقتصادی و مالی صرف نیست؛ بلکه فدک، مسئله سیاسی، و هدف اصلی از مطالبه آن، اولاً: اعتراض بر خلافت و دفاع از ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علی(ع) و بازگشت آن به جایگاه آن اصلی بود ثانیاً: باقی ماندن اصل اختلاف به ظاهر مالی و در واقع فراموش نشدن اختلاف سیاسی در مسئله خلافت از اهداف اصلی دیگر مطالبه فدک است؛ یعنی کارگزاران سیاست می‌خواستند خلافت خلیفه اول را به انتخاب و اجماع امت و همه صحابه برای جامعه آن روز و آینده اعلام کنند و بگویند، اسلام راستین همین است. اعتراض حضرت زهرا(ع) بر خلافت و سفارش امامان معصوم(ع) به فراموش نشدن آن اعتراض و اختلاف برای شکستن این فضا و این تفکر انجام شد و این فضا و تفکر را شکستند و اعلام کردند انتخاب خلیفه اول به اتفاق همه صحابه نبوده است؛ بلکه اختلافی است و یک جریان مخالف، و جریان دیگری موافق بود و این مخالفت جریان مخالف باقی بماند تا نسل آن روز و نسل‌های آینده درباره آن قضاوت و داوری کنند و حق را از ناحق تشخیص بدهند. اگر این اختلاف و اعتراض حضرت زهرا(ع) نبود، حق و حقیقت گم می‌شد.

دوم: اعتراض در قالب خشمگین و غضبناک شدن

حضرت زهرا علیها السلام با خلیفه اول قهر کرد و با او سخن نگفت و بیعت نکرد و با خشم و قهر از دنیا رفت. این از مسلمات تاریخ است. خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام نسبت به خلیفه اول یکی دیگر از موضع‌گیری سیاسی آن حضرت است. بخاری و مسلم این موضع‌گیری سیاسی حضرت زهرا علیها السلام را در یک جمله کوتاه گزارش کرده‌اند: فاطمه بر ابوبکر غضب، و با وی قهر کرد و تا پایان عمر با او سخن نگفت و پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله شش ماه بیشتر زندگی نکرد. (بخاری، ۱۴۲۲هـ: ۱۳۹/۵؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۹۰۲/۴): «فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُوفِيَتْ، وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ».

فاطمه زهرا علیها السلام شخص عادی نیست تا خشم و غضب آن حضرت مانند دیگران عادی باشد؛ بلکه آن حضرت، شخصیت خاص و استثنایی است. حضرت فاطمه، برترین بانوی زنان جهان، و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان است. (حاکم النیشابوری، ۱۴۱۱هـ: ۱۷۰/۳): «يَا فَاطِمَةُ، أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ؟» هَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ، وَلَمْ يَخْرُجَاهُ». فاطمه علیها السلام برترین زنان اهل بهشت است (بخاری، ۱۴۲۲هـ: ۲۰/۵): «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». فاطمه پاره وجود پیامبر صلی الله علیه و آله است هر کس او را به خشم آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله را به خشم می‌آورد (بخاری، ۱۴۲۲هـ: ۲۰/۵): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي». فاطمه پاره وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است هر آنچه او را ناراحت کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت کرده است (مسلم، [بی‌تا]: ۱۹۰۳/۴): «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا». فاطمه پاره وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آنچه او را بیازارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آزارد و آنچه او را اندوهگین کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را اندوهگین می‌کند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱هـ: ۴۶/۲۶): «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا». فاطمه پاره وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آنچه او را اندوهگین کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را اندوهگین می‌کند و آنچه او را شاد کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد می‌کند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱هـ: ۲۰۷/۳۱): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا وَ يَبْسُطُنِي مَا يَبْسُطُهَا». خداوند به خشم فاطمه، خشمگین، و به خوشنودی او، خوشنود می‌گردد. (حاکم النیشابوری، ۱۴۱۱هـ: ۱۶۷/۳):

«إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعِصَابِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». عایشه می‌گوید: هیچ شخصی راستگوتر از فاطمه، جزء پدرش ندیدم. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ): ۱۸۹۶/۴: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَصْدَقَ لَهْجَةٍ مِنْهَا غَيْرَ أَبِيهَا» «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَصْدَقَ لَهْجَةٍ مِنْ فَاطِمَةَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ الَّذِي وَلَدَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». أمير المؤمنين علی (ع) فرمود: همسر من سرور اهل بهشت است (ابن مردویه الاصفهانی، ۱۴۲۴هـ): ۱۷۷/۱: «أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَرَثَةُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَنَكَحْتُ سَيِّدَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَأَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَآخِرُ أَوْصِيَاءِ النَّبِيِّينَ».

بر اساس این روایت حضرت فاطمه (ع)، نه تنها سرور تمام زنان بهشتی است؛ بلکه سرور تمام بهشتیان است. محمد بن طلحه شافعی می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود: فرشته‌ای است که تا حال به زمین نیامده است تا اینکه دیشب آمد و به من بشارت داد و گفت فاطمه سرور اهل بهشت است. (محمد بن طلحه شافعی ۱۴۱۹هـ): ۴۶. بر اساس این دو روایت، حضرت زهرا (ع) از حضرت آدم (ع)، حضرت حوا (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت شیث (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع)، و دیگر انبیا و صالحان به غیر از رسول خدا (ص) برتر است. حضرت زهرا (ع) برترین اولین و آخرین بهشتی است. البته غیر از رسول اکرم (ص). این روایت بسیار سنگین و شگفت‌انگیز است. این ویژگی‌ها بخشی از مناقب و فضایل حضرت زهرا (ع) در منابع معتبر اهل سنت است.

پس حضرت فاطمه زهرا (ع) از دیدگاه رسول خدا (ص) در منابع اهل سنت برترین زنان جهان و برترین بهشتیان معرفی شده است و در منابع معروف و معتبر اهل سنت افضل و برتر بودن آن حضرت از زبان رسول خدا (ص) با تعبیرها و عبارات‌های مختلفی نقل گردیده است. بر اساس روایت بخاری «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي»، روایت مسلم «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا»، روایت حاکم «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعِصَابِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا»، روایت بخاری و مسلم «فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»، و آیه «۵۷» سورة احزاب «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (آنها که خدا و پیامبرش را آزاد می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده است). صغرا و کبرای قیاس تمام می‌شود. این

روایات با ضمیمه آیه شریفه، معیار تشخیص حق را از ناحق در منازعات به راحتی در اختیار همگان قرار می‌دهد.

طبق روایت بخاری، مسلم و حاکم، خوشنودی و خشم فاطمه علیها السلام، خوشنودی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و خوشنودی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، خوشنودی و خشم خداوند تبارک و تعالی است. این معیار بسیار روشنی برای تشخیص درست از نادرست است. پس خوشنودی حضرت زهرا علیها السلام از کسی، و خشم آن حضرت از کسی به عنوان یک موضع سیاسی، معیار تشخیص حق از ناحق است. در ماجرای سقیفه، انصار یک طرف، مهاجرین، طرف دیگر، ابوذر و سلمان و مقداد یک طرف است. رضایت و غضب حضرت زهرا با چه کسی است؟ این معیار بسیار روشن است همگان می‌توانند حق را از ناحق تشخیص بدهند.

بر طبق این روایات، حضرت فاطمه علیها السلام با خلیفه اول بیعت نکرد و با نارضایتی از ابوبکر و عمر دنیا را بدرود گفت و از سوی دیگر بر اساس روایت صحیح مسلم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی بمیرد و بیعتی بر گردن نداشته باشد با مرگ جاهلیت مرده است. (مسلم، [بی تا]: ۱۴۷۸/۳): «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله در صحیح مسلم مورد قبول اهل سنت است. از آن طرف، فاطمه علیها السلام پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و «سیده نساء اهل الجنة» است آیا آن حضرت به این روایت ملتزم نبوده و عمل نکرده، و از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله روی گردانده با امام زمانش بیعت نکرده است؟! و اگر بدون بیعت با امام زمانش (نعوذ بالله) از دنیا رفته است پس «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؟! اهل سنت هرگز چنین چیزی را نمی‌پذیرند. اگر حضرت زهرا علیها السلام به این روایت ملتزم بوده، و عمل کرده است، امام زمان آن حضرت خلیفه اول بود یا حضرت علی علیه السلام؟ حضرت زهرا علیها السلام به صراحت بخاری و مسلم بر شیخین غضبناک بود تا پایان عمر هم با خلیفه اول صحبت نکرد. پس غضب حضرت زهرا علیها السلام از عده‌ای، و رضایت آن حضرت از فردی این دلیل بر بیعت کردن آن حضرت با امام علی علیه السلام و حقانیت آن حضرت و عدم حقانیت دیگران نیست؟! زیرا امکان ندارد «سیده نساء العالمین»، و کسی که رضایتش رضایت خدا و رسولش و خشمش، خشم خدا و رسولش باشد و در مورد امام و خلیفه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به اشتباه دچار شده باشد.

سوم: اعتراض در قالب «وصیت نامه سیاسی خاص»

یکی از موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا (ع)، وصیت سیاسی خاص آن حضرت است. آن حضرت با وصیت ویژه، اعتراض و خشم خود را از ابوبکر و عمر ابراز کرد. این رفتار و انزجار حضرت، پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدتی داشت باعث شد بسیاری از حقایق به مکتب و فرهنگ شیعه انتقال یابد؛ از این رو متن وصیت سیاسی آن حضرت گر چه ظاهر احساسی دارد؛ ولی محتوای آن این پرسش را مطرح می‌سازد؛ چرا دختر شخص اول آفرینش، شبانه غسل داده، و کفن و دفن شود و هیچ یک از صحابه رسول خدا (ص) با خبر نشود؟ این پرسش بسیاری از حقایق نگفته و پنهان را آشکار می‌سازد. در صحیح بخاری و مسلم در باره وصیت سیاسی حضرت زهرا (ع) سخنی به میان نیامده است تنها گزیده‌ای از آن در یک جمله بیان گردیده است؛ یعنی وقتی حضرت زهرا (ع) از دنیا رفت، همسرش علی بن ابی طالب (ع) شبانه او را دفن کرد و ابوبکر را خبر نساخت و خودش بر او نماز خواند. (بخاری، (۱۴۲۲هـ): ۱۳۹/۵؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۳۸۰/۳): «فَلَمَّا تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لَيْلًا، وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ، وَصَلَّى عَلَيْهَا عَلِيٌّ». همین گزارش کوتاه بخاری و مسلم، موضع‌گیری سیاسی؛ یعنی اعتراض و خشم حضرت زهرا (ع) را از خلیفه اول و یارانش نمایان می‌سازد.

در منابع شیعه وصیت سیاسی آن حضرت مفصل و کامل با عبارات مختلف نقل شده است. مجلسی در بحار الانوار وصیت آن حضرت را چنین نقل می‌کند: به نام خداوند بخشنده مهربان. این وصیتنامه فاطمه، دختر رسول خدا (ص) است و شهادت می‌دهد خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد (ص) بنده و پیامبر اوست و بهشت، و جهنم حق است و در مورد روز قیامت شکی نیست و خداوند مردگان را زنده [و وارد محشر] می‌کند. ای علی! من فاطمه دختر محمد هستم. خدا مرا به ازدواج تو درآورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط، غسل و کفن کردن مرا در شب انجام بده و [شب] بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و به هیچ کس اطلاع نده، تو را به خدا می‌سپارم و به فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم. (محمد باقر مجلسی، (۱۴۰۳هـ): ۲۱۴/۴۳):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَوْصَتْ وَ

هِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لَا كُؤُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنْطَنِي وَغَسَّلَنِي وَكَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَصَلَّ عَلَيَّ وَادْفَنَنِي بِاللَّيْلِ وَلَا تُعْلِمَ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَى وَلَدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

نقش استثنایی حضرت زهرا (ع) در دفاع از ولایت

چرا امیر المؤمنین (ع) و یاران با وفای آن حضرت وارد صحنه نشدند تا حق شان را از کارگزاران سقیفه بگیرند؟ چرا این مسئولیت بزرگ؛ یعنی دفاع از خلافت و حق امیر المؤمنین (ع) بر عهده حضرت فاطمه زهرا (ع) گذاشته شد؟ به دلایل ذیل حضرت زهرا (ع) این مسئولیت سنگین و استثنایی را بر عهده گرفت و به بهترین وجه نیز انجام داد. در واقع حضرت زهرا (ع) در مسئله سقیفه دو ابتکار عمل بسیار بی نظیر داشت: اول از «حقیقت» دفاع کرد و در نهایت در راه حقیقت شهید شد. دوم به تبیین حقیقت در بستر اختلاف ها و تفاوت های غبارآلود پرداخت. آن حضرت به تبیین ابعاد تحریف تلخی پرداخت که در مسیر اسلام ایجاد شد و از ولایت و رهبری امیر المؤمنین (ع) دفاع کرد.

۱. درگیری نظامی امیر المؤمنین (ع) با یاران معدود و محدودش با کارگزاران خلافت به مصلحت اهل بیت (ع) و مسلمانان نبود. امام علی (ع) در فرازی از خطبه «شقشقیه»، از مظلومیت و تنهایی خود پیش از بیعت یاد می کند و می فرماید: نگاه کردم و دیدم [برای گرفتن حق خود و مسلمانان] یآوری جز خاندانم ندارم. من قیام نکردم؛ زیرا به مرگ آنان راضی نشدم و این در حالی بود که چشم بر خاشاک فروبستم و با گلویی که استخوان در آن گیر کرده بود [جرعه تلخ حوادث را] نوشیدم و بر نوشیدن این جرعه - تلخ تر از حنظل - شکیبایی کردم. (السید الرضی، [بی تا]: ۶۸): «فَنَظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي، فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ، وَأَغَضَيْتُ عَلَى الْقَدَى، وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجَا، وَصَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكَظْمِ، وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ (حزن) الْعَلَقَمِ».

روشن است قیام امیر المؤمنین علی (ع) در برابر آن گروه منسجم به اتکای یاوران محدود

با هیچ منطقی سازگار نبود؛ زیرا اولاً: این قیام نه تنها به نتیجه نمی‌رسید؛ بلکه سبب می‌گردید گروهی از بهترین از یاران اهل بیت (علیهم السلام) نیز کشته شوند و باعث از بین رفتن نسل امامت و ولایت گردد و این خسارت و زیان از همه زیان‌ها و خسارت‌ها بزرگ‌تر بود. ثانیاً: ممکن بود این و درگیری شکاف و اختلافی میان مسلمانان ایجاد کند و منافقان فرصت طلب از آن بهره بگیرند و موجودیت اسلام را به خطر بیندازند؛ به همین دلایل امام علی (علیه السلام) سکوت دردآلود و صبر جانکاه را بر چنین قیام پر خطری ترجیح داد.

۲. مسئله قبیله‌گرایی درد اصلی دنیای اسلام از صدر اسلام بوده، تا کنون است. در مسئله قبیله‌گرایی افراد عادی در سرنوشت جامعه هیچ نقشی ندارند. نقش خواص در نظام قبیله‌گرایی پررنگ، و تعیین کننده است. یاران امام علی (علیه السلام) غیر از «زبیر» به لحاظ این ویژگی نمی‌توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی آن روز نقش‌آفرینی کنند. اینها از خواص سیاسی و اجتماعی آن روز به شمار نمی‌آمدند؛ زیرا در اندیشه و تفکر کارگزاران سقیفه تنها حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و زبیر مخالف به شمار می‌آمدند بقیه به حساب نمی‌آمدند؛ به همین دلیل کارگزاران سقیفه می‌گویند: علی (علیه السلام) و زبیر با ما مخالفت کردند (بخاری، ۱۴۲۲هـ/ ۱۶۸۸/۸): «وَخَالَفَ عَنَّا عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ وَمَنْ مَعَهُمَا». تنها از علی (علیه السلام) و زبیر نام می‌برند بقیه را مانند «سلمان»، «مقداد»، «عمار» و «ابوذر» را به حساب نمی‌آورند. سلمان گرچه شخصیت بزرگی است؛ اما فارسی است؛ اصلاً نمی‌تواند در مسائل سیاسی - اجتماعی آن روز جامعه نقش‌آفرینی کند. ابودر نیز شخصیت بزرگی است؛ اما اعرابی است. ابودر اعرابی نمی‌تواند در امور اجتماعی آن روز نقشی داشته باشد. عمار و مقداد سیاه پوست هستند و در آن عصر برده‌ها و سیاهان جایگاهی اجتماعی نداشتند. اگر این چند نفر معدود در میدان شمشیر می‌کشیدند و از امیر المؤمنین (علیه السلام) دفاع می‌کردند، درگیری اتفاق می‌افتاد در این درگیری امیر المؤمنین (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) و یاران اندک آن حضرت کشته می‌شدند. چنین درگیری سودی نداشت؛ زیرا محکوم می‌شدند و می‌گفتند با خلافت بیعت نکردند و درگیر نظامی شدند و کشته شدند.

خواص تأثیرگذار آن روز نیامدند و این کار را انجام ندادند. امام علی (علیه السلام) غریب و تنها ماند هیچ کسی نیست از آن حضرت دفاع کند. تنها کسی می‌تواند اینجا نقش‌آفرینی، و از ولایت و

خلافت بر حق امام علی علیه السلام دفاع کند اولاً از خواص تأثیرگذار باشد؛ ثانیاً: جامعه، عظمت او را بشناسد؛ ثالثاً: سخن و رفتار او افکار عمومی را جریحه‌دار کند؛ رابعاً: نتوانند بگویند او خروج کرده، و خارجی است؛ چون در مورد امام حسین علیه السلام برخی گفتند خارجی است. از میان حامیان و مدافعان امام علی علیه السلام تنها حضرت زهرا علیه السلام این ویژگی‌ها را داشت؛ زیرا آن حضرت یک زن است و سلاح ندارد، نمی‌تواند بگویند خروج کرده است و افزون بر آن، حضرت زهرا علیه السلام یک شخصیت خاص و استثنایی است و بر افکار عمومی جامعه تأثیرگذار است؛ اگر بر نسل جامعه آن روز تأثیر چندانی نداشت و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار نداد افکار عمومی، آن حضرت را همراهی نکردند؛ اما در افکار و اذهان نسل‌های بعد تأثیرگذار است. بنابراین این نقش اساسی و استثنایی را فقط آن حضرت می‌توانست انجام دهد و انجام داد. او تنها حامی امامت و سند حقانیت مکتب و مذهب شیعه در قضیه فدک و سقیفه است. نقش حضرت زهرا علیه السلام در داستان سقیفه، استثنایی است؛ زیرا کارگزاران خلافت پس از به دست گرفتن قدرت می‌خواستند بگویند بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله همه صحابه یک اندیشه داشتند تمام اسلام همین است همه صحابه تمام وقایع اتفاق افتاده در داستان سقیفه را انجام دادند و با آن موافق بودند؛ اما اعتراض حضرت زهرا علیه السلام به سقیفه و حمایت امیر المؤمنین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام این فضا و این اندیشه را شکست و این رسالت تاریخی را انجام داد و ثابت کرد خلافت ابوبکر اختلافی است و اتفاقی نیست؛ یعنی یک دسته‌ای با دسته دیگر مخالف است. حضرت زهرا علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام نمی‌خواستند اصل این اختلاف فراموش شود؛ زیرا فراموش شدن این اختلاف، فراموش شدن اصل اختلاف سیاسی بود. حضرت زهرا علیه السلام یک شخصیت خاص و استثنایی بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله این شخصیت استثنایی را ساخت و افکار عمومی جامعه هم باور کردند آن حضرت یک شخصیت استثنایی است؛ از این رو مخالفت حضرت زهرا علیه السلام با خلافت، اختلاف تمام شدنی نیست و از سوی دیگر اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت اجازه‌ای فراموشی را ندادند و بزرگان دینی و منادیان بزرگ وحدت اسلامی نیز ایام فاطمه را با عظمت برگزار می‌کنند. مقام معظم رهبری بزرگ‌ترین منادی استراتژی وحدت جهان اسلام در قرن کنونی فاطمیه می‌گیرد و در باره بزرگی و عظمت اقدام حضرت فاطمه

زهرا (علیها السلام) در آن روز می‌فرماید: «انقلاب شیعه از زهرا (علیها السلام) شروع شد، اولین انقلابی شیعه، فاطمه زهرا (علیها السلام) دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است». (مقام معظم رهبری، (۱۳۹۶ش): ۲۹۳).

نتیجه

حضرت زهرا (علیها السلام) با موضع‌گیری‌های عمیق و آگاهانه سیاسی خویش خط ولایت و امامت و اسلام اصیل و ناب (مکتب شیعه) را از همان آغاز پایه‌ریزی کرد و با سخنان حکیمانه و رفتارهای سنجیده خود افکار عمومی را نه تنها در عصر خویش، بلکه در همه عصرها به چالش کشید و پرسش بزرگی را در برابر همگان در طول تاریخ قرار داد تا خردمندان و متفکران، رخدادهای صدر اسلام را بی‌تعصب تحقیق کنند و به حقیقت دست پیدا کنند.

آن حضرت با مطالبه فدک در ظاهر، و مطالبه خلافت در واقع، نارضایتی و خشم خود را تا پایان عمر از دستگاه خلافت اعلام کرد، و خط اسلام اصیل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از خط غیر صحیح جدا ساخت. بخاری و مسلم در صحیحین برخی از موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) را در باره فدک و خلافت از جمله «اعتراض در قالب مطالبه فدک»، «اعتراض در قالب خشمگین و غضبناک شدن» و «اعتراض در قالب وصیت نامه سیاسی خاص» نسبت به خلافت و خلفا را گزارش کرده‌اند.

اگر مبارزات و موضع‌گیری‌های سیاسی آگاهانه و خردمندانه این بانوی بزرگ اسلام نبود امروز شیعه و مکتب شیعه ایدئولوژی اعتراض، مخالفت، مبارزه و مقاومت را نداشت و در برابر هر ستمگر و ظالمی سر تسلیم فرود می‌آورد. حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان پایه‌گذار مکتب «اعتراض» و «مقاومت» در شیعه نسبت به بدعت و تفسیر نادرست، راه درست و روشنی برای همه شیعیان و اهل انصاف ترسیم کرد و از سوی دیگر با این موضع‌گیری‌های سیاسی و خردمندانه و ترسیم الگوی «مشارکت سیاسی برای زنان»، به زنان مسلمان فهماند بانوان در سرنوشت جامعه همسان مردان شریک و سهیم هستند و اسلام هیچ‌گاه برای حضور زنان با رعایت، و حفظ حجاب و پایبندی به معیارها و ارزش‌های توحیدی و الهی در صحنه فعالیت اجتماعی و سیاسی، محدودیتی قایل نیست.

کتابنامه

- ابن الاثیر، أبو الحسن علی بن أبی الکرّم محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی الجزری، عز الدین (المتوفی: ۶۳۰هـ)، (۱۴۱۷هـ-۱۹۹۷م)، «الکامل فی التاریخ»، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت - لبنان، دار الکتب العربی، الطبعة الأولى.
- ابن بابویه، محمد بن علی (متوفای ۳۸۱هـ)، (۱۴۱۳هـ)، «من لا یحضره الفقیه»، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن طیفور، أبو الفضل أحمد بن أبی طاهر ابن طیفور (المتوفی: ۲۸۰هـ)، (۱۳۲۶هـ-۱۹۰۸م)، «بلاغات النساء»، صححه وشرحه: أحمد الألفی، القاهرة، مطبعة مدرسة والده عباس الأول.
- ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفی: ۴۶۳هـ)، (۱۴۱۲هـ-۱۹۹۲م)، «الاستیعاب فی معرفة الأصحاب»، المحقق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، الطبعة: الأولى.
- ابن مردویه الاصفهانی، أبی بکر أحمد بن موسى (المتوفی: ۴۱۰هـ)، (۱۴۲۴هـ-۱۳۸۲ش)، «مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی حق علی علیه السلام»، تحقیق: جمعه ورتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، دار الحديث، الطبعة الثانية.
- ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقی، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین (المتوفی: ۷۱۱هـ)، (۱۴۱۴هـ)، «لسان العرب»، بیروت، دار صادر. الطبعة الثالثة.
- ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، (متوفی: ۶۵۴هـ)، (۱۴۲۶هـ)، «تذکرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة»، قم- ایران، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، مرکز الطباعة و النشر.
- أبو الفرج الأصبهانی، علی بن الحسین بن محمد بن أحمد بن الهیثم المروانی الأموی القرشی، (المتوفی: ۳۵۶هـ)، [بی تا]، «مقاتل الطالبیین»، المحقق: السید أحمد صقر، بیروت، دار المعرفة.
- احمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی (المتوفی: ۲۴۱هـ)، (۱۴۲۱هـ-۲۰۰۱م)، «مسند الإمام أحمد بن حنبل»، المحقق: شعيب الأرناؤوط - عادل مرشد، وآخرون/إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى.
- انصاری، محمد باقر (۱۳۷۵ش)، «اسرار فدک»، ترجمه سید حسین رجائی، قم، نشر الهادی.

بررسی موضع‌گیری‌های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام نسبت به خلافت در صحیح ... □ ۳۱

آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای، (۱۳۹۶ش)، «همرزمان حسین علیه السلام»، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (۱۴۲۲هـ)، «الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = صحیح البخاری»، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة الأولى.

جعفر سبحانی (۱۳۳۷ش)، «منشور عقاید امامیه»، قم، مؤسسه الامام صادق علیه السلام.
الحموی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله الرومی (المتوفی: ۶۲۶هـ)، (۱۹۹۵م)، «معجم البلدان»، بیروت، دار صادر، الطبعة الثانية.

الخطیب البغدادی، أبو بکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی الخطیب البغدادی (المتوفی: ۴۶۳هـ)، (۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م)، «تاریخ بغداد»، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی، الطبعة الأولى.

الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: ۷۴۸هـ)، (۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م)، «سیر أعلام النبلاء»، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة.

الزمخشري، جار الله (توفي ۵۸۳ هـ)، (۱۴۱۲هـ)، «ربيع الأبرار ونصوص الأختار»، بیروت، مؤسسة الأعلمی، الطبعة الأولى.

السمهودی، علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی الشافعی، نور الدین أبو الحسن السمهودی (المتوفی: ۹۱۱هـ)، (۱۴۱۹هـ)، «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی»، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

سید الرضی، [بی‌تا]، «نهج البلاغة (صبحی صالح)»، المصحح: صبحی صالح، قم، دار الهجرة.
السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین (المتوفی: ۹۱۱هـ)، (۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م)، «تاریخ الخلفاء»

السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین (المتوفی: ۹۱۱هـ)، [بی‌تا]، «الدر المنثور»، بیروت، دار الفکر.

شافعی، محمد بن طلحة (المتوفی: ۶۵۲هـ)، (۱۴۱۹هـ)، «مطالب السؤل فی مناقب آل

الرسول»، بیروت- لبنان، دار البلاغ.

- طبرسی، احمد بن علی (متوفای ۵۸۸هـ)، (۱۴۰۳ت)، «الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)»، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول.
- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن (المتوفی: ۲۶۱هـ)، [بی تا]، «المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم»، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- کازرونی، محسن (۱۳۷۰ش)، «کوثر قرآن» (زندگانی حضرت زهراء علیها السلام)، تهران، مظاهری.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (متوفای ۱۱۱۰هـ)، (۱۴۰۳هـ)، «بحار الأنوار (ط- بیروت)»، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، نوبت چاپ: دوم.
- محمدباقر صدر، (۱۹۹۰م)، «فدک فی التاریخ»، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات.
- النیسابوری، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني المعروف بابن البيع (المتوفى: ۴۰۵هـ)، (۱۴۱۱هـ- ۱۹۹۰م)، «المستدرک علی الصحيحین»، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- الهیثمی، أبو الحسن نورالدین علی بن أبی بکر بن سلیمان (المتوفی: ۸۰۷هـ)، (۱۴۱۴هـ، ۱۹۹۴م)، «مجمع الزوائد ومنیع الفوائد»، المحقق: حسام الدین القدسی، القاهرة، مكتبة القدسی.